

استراتژی ایجاد «شبکه منطقه‌ای»

به منظور تقویت پیوندهای

میان شهر و روستا

دستور کاری برای پژوهش‌های سیاستگذاری با اشاره به کشور اندونزی

(قسمت دوم)

مؤلف: پروفیسور مایک داگلاس^(۱)

مترجم: دکتر غلامرضا لطیفی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

تدوین استراتژی شبکه‌ی منطقه‌ای برای ایجاد پیوندهای متقابل میان شهر و روستا، دستورالعملی است برای تحقیقات بیشتر در زمینه ارائه خط مشی مناسب با تأکید بر کشور اندونزی. در نوشته‌ی حاضر کوشیده شده برای حل مشکل عدم ارتباط مزن میان نظریه‌ها و برنامه‌های توسعه‌ی روستایی و شهری، استراتژی شبکه‌ی منطقه‌ای که تحلیل‌های موجود به موضوع پیوستگی و وابستگی متقابل میان روستا و شهر توجه دارد، معرفی گردد. برای تشریح بیشتر این استراتژی چند مثال در مورد شرایط منطقه‌ای اندونزی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: شبکه منطقه‌ای، اندونزی، شهر و روستا، استراتژی، توسعه‌ی منطقه‌ای.

شبکه‌ها یا خوشه‌های منطقه‌ای به عنوان چهارچوب فضایی برای توسعه روستایی

مباحثی که تاکنون به آن‌ها پرداخته شد در صدد تبیین این نکته بودند که نظریه‌ها و خط مشی‌های مطرح در زمینه‌ی توسعه روستایی واقعیات و همچنین امکانات بالقوه توسعه مناطق روستایی را مدنظر نداشته‌اند. از این رو نیاز مبرمی به تدوین خط‌مشی‌های توسعه فضایی بر اساس اصول جدید احساس می‌شود. چنین اصولی باید بر نظریات مطرحی چون تقسیم‌بندی برنامه‌ریزی به دو دسته برنامه‌ریزی شهری و روستایی که بیشتر مشوق رقابت بین این مناطق است تا همکاری آنها و همچنین تقسیم‌بندی اداری که از نقطه نظر برنامه‌ریزی و اداری در سطح منطقه‌ای، شهرها را از مناطق تحت نفوذ آن‌ها جدا می‌سازد خط بطلان بکشد. همچنین باید الگوهای مکانیستی توسعه روستایی که اکثراً به مراکز شهری توجه بیشتری دارند تا مناطق روستایی، کنار گذاشته شوند و کوشیده شود تا با شناسایی عوامل سازنده نظام فضایی ملی و به هم پیوستگی‌های روستایی-شهری از تنوعات منطقه‌ای استفاده شود. در راستای تشریح این نکته که چگونه می‌توان بر اساس تحقیقات در سطح منطقه‌ای در زمینه به هم پیوستگی‌های روستاها و شهرها اصول جدیدی جهت توسعه مناطق روستایی تدوین کرد

جدول دو مفاهیم قطب رشد و شبکه منطقه‌ای را با هم مقایسه می‌کند. مفهوم شبکه منطقه‌ای در برگیرنده ساختارهای روستایی و شهری و به هم پیوستگی‌ها و جریان‌های روستایی شهری است. جدول دو نشان می‌دهد در حالی که در نظریه‌ی قطب رشد بر تولیدات صنعتی شهری تأکید شده است و از آن به عنوان بخش پیشرو در توسعه منطقه‌ای یاد می‌شود در رویکرد شبکه منطقه‌ای فرض بر این است که توسعه‌ی محلی در روستا دارای ماهیتی چند بخشی است و تخصیص منابع در سطح منطقه نقش به‌سزایی در آن دارد. در این رویکرد هدف صرفاً محدود ساختن چشم‌انداز توسعه منطقه‌ای به ایجاد شوق برای تمرکززدایی صنایع از مناطق مرکزی نیست. ایجاد شبکه‌ها باعث تنوع منابع رشد اقتصادی می‌شود و استقرار منابع در مناطق شهرها را پیش فرض نمی‌کند. مثلاً بهترین و به صرفه‌ترین مکان برای تأسیس صنایع کشاورزی نزدیک مزارع و یا در کنار مسیرهای عمده حمل و نقل مثل آبراه‌ها می‌باشد نه در شهرها.

دوم این که اکثر خط‌مشی‌های قطب رشد تلویحاً از رأس هرم به پایین می‌نگرند و با این عمل چنین متصور می‌شوند که وسعت شهر، اصلی‌ترین شاخص برای تعیین شهر اصلی یک منطقه می‌باشد و همچنین شهرهای هم وسعت کارکردهای مشابهی دارند اما در رویکرد شبکه‌ای فرض بر این است که نه تنها وسعت شهر شاخصی ناکافی برای ارزیابی قابلیت رشد و یا به هم پیوستگی‌های منطقه‌ای است بلکه شهرهای هم وسعت ممکن است وظایف توسعه‌ای کاملاً متفاوتی داشته باشند. در رویکرد شبکه‌ای سعی بر آن نیست که یک شهر بزرگ به صورت تنها محور و مرکز یک منطقه گسترده درآید، بلکه این رویکرد مبتنی است بر شبکه یا خوشه‌ای از سکونتگاه‌ها که هر یک دارای گرایش‌های تخصصی مختص به خود بوده و میان آن‌ها در سطح منطقه روابط متقابلی برقرار است. از این رو شهرهای کوچک واقع در نواحی مرتفع می‌توانند مراکز خرید و فروش اصلی برخی محصولات کشاورزی باشند و هم چنین شهر دیگری ممکن است یک مرکز فرهنگی مهم واقع باشد و شهر سوم نیز در حکم مرکز اداری یک منطقه ایفای نقش کند.

جدول ۲: مقایسه رویکرد قطب رشد و رویکرد شبکه منطقه‌ای

اجزاء	رویکرد قطب/مرکز رشد	رویکرد شبکه/خوشه منطقه‌ای
۱- بخش پایه	کارخانجات شهری؛ عمدتاً بر صنایع گسترده «پیشبر» و واحدهای تولیدی آزاد مستقر در خارج از منطقه تأکید دارد.	تمامی بخش‌ها، منوط به شرایط و استعدادهای منطقه‌ای؛ تأکید بر شرکت‌ها و کارخانجات کوچک و یا متوسط موجود در سطح منطقه
۲- نظام شهری	هرمی، متمرکز حول یک محور غالب که معمولاً تعیین آن با توجه به میزان جمعیت و در ارتباط با فرضیه‌های نظریه موقعیت مرکزی صورت می‌گیرد.	افقی، متشکل از چندین مرکز و مناطق تحت نفوذ آن‌ها که هر یک دارای تخصص‌ها و مزایای خاص خویش‌اند.
۳- روابط روستایی شهری	طرح فرآیندهای انتشار که در هرم شهری از بالا به پایین در حرکت است و از شهر یا شهرستان به سمت بیرون یعنی نواحی جانبی روستایی پیش می‌رود. نواحی روستایی به عنوان بهره‌گیران منفعل از فرآیند رشد شهری هستند.	طرح حوزه پیچیده فعالیت‌های روستایی-شهری که در آن انگیزش‌ها و محرک‌های رشد هم از شهر و هم از روستا منشاء می‌گیرد. که این فرآیند (رشد) در امتداد خطوط ارتباطی میان نواحی مسکونی بیشتر است.
۴- سبک برنامه‌ریزی	این سبک معمولاً از بالا به پایین و از طریق نهاد‌های برنامه‌ریزی بخشی و دفاتر منطقه‌ای صورت می‌گیرد مناطق، مرزبندی‌های نامشخصی دارند که براساس تعامل	سبک برنامه‌ریزی نیایزمند نظام‌های برنامه‌ریزی غیر متمرکز می‌باشد و در آن ادغام و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های چند بخشی و روستایی- شهری در

سطح منطقه‌ای صورت می‌پذیرد.	اقتصادی میان آن‌ها می‌باشد.
تنوع تولید محصولات کشاورزی و صنایع کشاورزی، کارخانجات عمل‌آوری محصولات کشاورزی، خدمات شهری، آموزش نیروی انسانی و ایجاد شبکه‌های ارتباطی بین نواحی مسکونی	۵- خط مشی‌های عمده ایجاد انگیزه برای تمرکززدایی از صنایع، املاک صنعتی، راه‌های ترانزیت ملی

سوم اینکه در رویکرد قطب رشد به نواحی روستایی به منزله‌ی نواحی عقب مانده و وابسته به شهرها نگریسته می‌شود در صورتی که رویکرد شبکه‌ای دیدگاهی متعادل‌تر دارد و چنین فرض می‌کند که سرمایه‌گذاری‌های مناسب در بخش کشاورزی درآمدهای خانوارهای روستایی را در آن بخش افزایش می‌دهد و همچنین در نواحی کشاورزی رفاه ساکنان مناطق روستایی عامل قدرتمندی در رشد شهرهاست. در عین حال سرمایه‌گذاری‌های دقیقاً انتخاب شده در شهرها در زمینه فعالیت‌های مفید برای منطقه، رشد اقتصادی شهرهای کوچکتر و روستاهای منطقه را به دنبال خواهد داشت.

چهارم اینکه یکی از تفاوت‌های اصلی میان رویکردهای قطب رشد و شبکه منطقه‌ای مربوط است به سبک‌های برنامه‌ریزی خاص آن‌ها. در اولی قطب شهری مهم‌ترین بازیگر فضایی است و بررسی جزئیات منطقه تحت نفوذ آن امری غیر ضروری تصور می‌شود و در آن مرزبندی‌های منطقه‌ای نامشخص می‌باشد.

اما برعکس در دومی نیاز به افزایش ظرفیت منطقه برای هماهنگ سازی فعالیت‌های گسترده به هم پیوسته، احساس می‌شود. همچنین تعیین مرزبندی‌های استانی با منطقه‌ای به عنوان محدودده‌ای که در آن می‌بایست هماهنگ سازی و ادغام در برنامه‌ریزی صورت گیرد یکی از ویژگی‌های مهم رویکرد شبکه‌ای است.

آخرین تفاوت این دو رویکرد به نوع خط‌مشی‌های آن‌ها مربوط می‌شود. خط مشی‌های رویکرد قطب رشد بر این مبانی استوار است: افزایش انگیزه برای جذب کارخانجات صنعتی، یعنی صرف بودجه عمومی برای ساخت زیرساخت‌های اقتصادی برای صنایع شهری و توسعه راه‌های ترانزیت برای مرتبط ساختن مراکز رشد با پایتخت و حتی بازارهای بین‌المللی، در صورتی که در رویکرد شبکه منطقه‌ای نیاز به توسعه زیرساخت‌های شهری و همچنین روستایی احساس می‌شود و در این رویکرد بر راه‌های ارتباطی و حمل و نقل میان مراکز عمده و روستاها و

شهرستان‌های یک منطقه تأکید می‌شود. علاوه بر این توجه یکسانی نیز به سرمایه‌های سرانه اقتصادی و اجتماعی می‌شود. تأمین آب آشامیدنی لوله‌کشی، برق، فاضلاب و تأسیس مدارس و مراکز ارائه خدمات بهداشتی صرفاً به منظور توسعه رفاه صورت نمی‌گیرد بلکه این اقدامات برای افزایش کیفیت زندگی منطقه‌ای و تداوم رشد اقتصادی ضروری به شمار می‌آیند.

رویکرد شبکه‌ای بر مبنای سه فرض اصلی استوار است:

۱- اولاً تفاوت در پیوندهای میان شهر و روستا حتی در منطقه تحت نفوذ یک شهر عمدتاً فاحش است، از این رو شبکه‌بندی روستاها و شهرها به عنوان یک واحد توسعه منطقه‌ای می‌تواند با توجه به تعدد و مکمل بودن میان مراکز متعدد و همچنین میان هر مرکز و منطقه تحت نفوذ آن در یک منطقه خاص مفید باشد. در رویکرد شبکه‌ای به یک مرکز به عنوان مرکز رشد منطقه‌ای نگریده نمی‌شود و روابط میان مراکز مختلف افقی، مکمل و متقابل است.

ثانیاً چنین شبکه‌هایی در حال حاضر وجود دارند. هرچند به شکل ابتدایی تعامل میان روستاها و شهرها به روابط متقابل میان روستا و شهرستان محدود نیست بلکه شبکه‌های منطقه‌ای را شکل می‌دهد که در سراسر منطقه فراسوی آن دارای میزان متفاوتی است. با توجه به جریان‌های کالاها و افراد میان روستاها و شهرها می‌توان به مرزبندی شبکه‌ها پی برد. برای مثال در اندونزی این مرزبندی با استفاده از اطلاعات مربوط به تردد حرکت‌های اتوبوس‌ها، کامیونها و خودروهای سواری میان روستاها و شهرهای یک منطقه مشخص شده است.

سوم آنکه وجود شبکه‌ای از مناطق روستایی-شهری که با هم در ارتباط نزدیکی هستند و تعامل بالایی دارند می‌تواند خیلی از قطب رشد یافته تجمع و تنوع اقتصادی لازم برای عمل کردن به عنوان نقطه مقابل رشد و توسعه مناطق کلان شهر مرکزی فراهم آورد. با توجه به گسترش و تسهیل ارتباطات، شهرستان‌ها و روستاهای پراکنده در ارتباط نزدیکتر قرار می‌گیرند و می‌توانند تعامل‌های روزمره متعددی با یکدیگر داشته باشند. امری که در حدود یک یا دو دهه پیش دور از ذهن و بسیار بعید و ناممکن به نظر می‌رسید.

وجود یک اقتصاد منطقه‌ای قدرتمند که دربرگیرنده گستره‌ی فضایی وسیع‌تری از یک شهر و حوزه تحت نفوذ آن می‌باشد و ارائه‌کننده فعالیت‌های اقتصادی متعددی است، می‌تواند نوسانات قیمت‌ها و عرضه و تقاضا و منابع را کاهش دهد. همچنین در این حالت امکان بهره‌جویی از هم (Upstream and Downstream interdependencies) و اثرات افزایشی آن‌ها بیشتر خواهد بود.

به بیان ساده‌تر در رویکرد شبکه‌ای، برای ترسیم خط‌مشی‌های به هم پیوستگی‌های روستایی-شهری از یک نظام برنامه‌ریزی غیر متمرکزتر استفاده می‌شود. این رویکرد بسیاری از اصول مسلم نظام‌های شهری و نظام‌های انتشار از مرکز به بیرون را که تدوین خط‌مشی‌ها براساس آن‌ها صورت می‌پذیرد به چالش گرفته است. این رویکرد یک نوع نگرش متنوع

و چند شاخه به توسعه منطقه‌ای را تجویز می‌کند، نگرشی که بر مبنای ادغام توسعه روستایی با توسعه شهری در سطح منطقه‌ای قرار دارد. این رویکرد همچنین خواستار ترسیم خط‌مشی‌ها به گونه‌ای غیر متمرکز و موزون است زیرا معتقد است این امر مشوق تعدد در تخصیص منابع منطقه‌ای، تقسیم‌بندی‌های کنونی در زمینه کار در بخش‌های روستایی و شهری و خواست‌ها و ظرفیت‌های توسعه منطقه‌ای می‌باشد.

در اندونزی فرآیندگذار از اقتصاد روستایی به اقتصاد شهری در جریان است و در تمامی مناطق این کشور مشهود می‌باشد. با این وجود زمان و سرعت این فرآیند در مناطق مختلف متفاوت و غیر یکنواخت است. اگر بخواهیم به اهدافی چون بهبود تبعات اقتصادی چنین الگوهای غیر یکنواخت توسعه‌ای دست پیدا کنیم، الگوهای که بیشتر از مراکز بسیار بزرگ و به خصوص منطقه کلان شهر جاکارتا حمایت می‌کنند، باید سعی نماییم در بعد ملی، در راه‌هایی طی طریق کنیم که در آن‌ها به هم پیوستگی‌ها و تبدیلات روستایی-شهری به گونه‌ای مکمل و مثمرتر برای هر دو صورت پذیرد. بهترین راه برای تحقق این هدف مدل شبکه منطقه‌ای است.

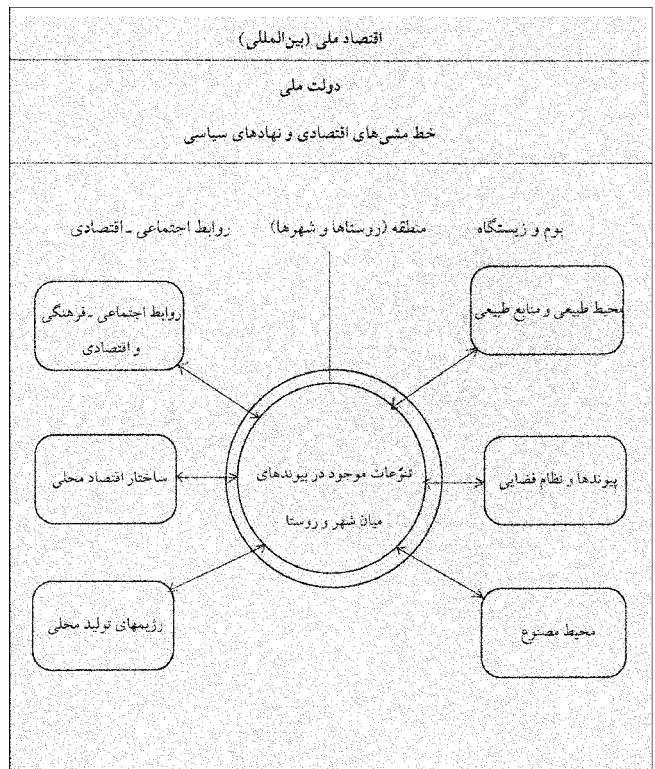
تنوع‌های منطقه‌ای در پیوندهای میان شهر و روستا در اندونزی

الگوی شبکه منطقه‌ای بسیار بیشتر از سایر رویکردها یا تنوع در پیوندهای میان شهر و روستا در سطح منطقه سازگار است. مطالعات صورت گرفته در مناطق روستایی-شهری در اندونزی نشان می‌دهد که نظم و همسانی در نظام‌های شهری-منطقه‌ای بسیار کمتر از حدی است که در نظریه‌های انتشار صنعتی و مکان مرکزی پیش‌بینی شده است. عوامل تاریخی مرتبط با توسعه هر شهر و منطقه، حضور دولت و نوع پیوند با اقتصاد ملی و بین‌المللی نیز به تنوع و افزایش احتمالات کمک می‌کند.

ابعاد تنوعات منطقه‌ای

نگاره ۱، ابعاد اصلی تنوعات منطقه‌ای در پیوندهای میان شهر و روستا را نشان می‌دهد. در یک طرف عناصر مربوط به حوزه اجتماع و اقتصاد قرار دارند. به عنوان نمونه روابط اجتماعی-اقتصادی در مواردی چون سطوح نسبی و مطلق تفاوت درآمدها، دسترسی به زمین و سایر منابع و انواع و سطوح فراگیری فنون توسط ساکنین منطقه، متفاوت است. این اختلافات را می‌توان با توجه به تقسیم‌بندی‌های طبقاتی، نژاد، جنس و دیگر اختلافات اجتماعی تبیین کرد. اگر توجه کافی و وافی به این اختلافات مبذول نگردد، بهبود نقش و جایگاه شهرها تنها به اختلافات دامن خواهد زد و از آن‌ها نخواهد کاست. به عنوان مثال در بنگلادش، هدف از تأسیس بانک پرآوازه‌ی گرامین در اصل، وام دهی به زنان فقیر روستایی بود که دارای چنان مقام اجتماعی و دوست و آشنای مهمی نبودند که بتوانند از سایر بانک‌ها وام دریافت کنند. کارکردهای شهری همچنین برحسب ساختار اقتصاد روستایی متفاوت است. مثلاً در روستاهایی که شغل ساکنانشان ماهیگیری است نیاز به سردخانه برای نگهداری ماهی‌ها احساس می‌شود در صورتی که در مناطق دامداری نیاز به مراکز انبار علوفه و خوراک دام و نیز مراکز نقل

و انتقال کالا محسوس است. ساختار اقتصادی یک شهر کوچک منعکس کننده ظرفیت منطقه‌ای برای بهره‌جویی از پیوندها و اثرات افزایشی پیوندهای بالا دست و پایین دست می‌باشد. از این رو ساختار شهری در یک اقتصاد منطقه‌ای که تنها بر پایه فعالیت‌های استخراجی، بدون وجود مراکز عمل آوری در سطح منطقه استوار است، با ساختار شهری در یک منطقه یا اقتصاد پیچیده‌تر تفاوت بسیار دارد.



نگاره ۱

سازماندهی تولید (رژیم‌های تولید) در یک بخش یا فعالیت نیز تأثیر به‌سزایی بر پیوندهای میان شهر و روستا و مقتضیات زیر ساخت‌ها و خدمات شهری دارد. برای مثال، رژیم‌های تولید به صورت کشتزار و تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، ساختار شهری کاملاً متفاوتی را ایجاد می‌نمایند. در کشتزارها که عمدتاً از نیروی کار تمام وقت ارزان استفاده می‌شود نیاز چندانی به خدمات شهری نیست، در صورتی که خرده تولیدکنندگان روستایی برای عرضه و فروش تولیدات خود تا حد زیادی به شهرها وابسته‌اند. یکی دیگر از تنوعات پیوندهای میان شهر و روستا ناشی از نوع اسکان و تنوع زیستگاه‌های مردم یک منطقه می‌باشد. شرایط زیستگاه‌های طبیعی مثل، دائماً در معرض سیل قرار گرفتن به دلیل جنگل‌زدایی، نیز ممکن است بقای شهر را با مخاطره روبرو سازد. از سوی دیگر همین شرایط بر الگوهای دسترسی و از این طریق بر انواع کارکردهای حمایت شده از جانب منطقه تحت نفوذ اثر می‌گذارد. بنابراین وضعیت منابع طبیعی یک منطقه مهمترین شاخص اقتصاد روستایی منطقه‌ای و جایگاه

شهرها در این اقتصاد می‌باشد. وضعیت محیط مصنوعی^(۲) نیز از منابع مهم تمایز در نوع پیوندهای میان شهر و روستا می‌باشند. به عنوان مثال سطح رفاه در مناطقی که می‌توان بواسطه آب فراوان و آبیاری پیشرفته در سال سه بار از زمین محصول برنج برداشت کرد، بسیار بیشتر از مناطقی است که کشت این محصول به صورت دیم است و در سال یکبار بیشتر برداشت ممکن نیست. همچنین وضعیت شبکه‌های راه‌های منطقه‌ای نیز تأثیر چشمگیری بر جریان‌های افراد، کالاها و خدمات میان روستاها و شهرها دارد. همچنین وجود برق، تلفن و دیگر وسایل ارتباطی به توسعه فیزیکی بازارها و زیرساخت‌های شهری و روستایی کمک نموده، ماهیت، میزان و حجم تعامل روستا و شهر را دگرگون می‌سازد.

جدول ۳: عوامل تعیین‌کننده روابط میان شهر و روستا در سطح محلی

روابط اجتماعی - اقتصادی	منابع و محیط زیست طبیعی
نیازهای اولیه و سطح فقر	محیط زیست:
- نابرابری در توزیع درآمد و منابع	- ترکیب و تنوع گونه‌های جانوری - گیاهی
- تعداد افراد فاقد زمین، کشاورزان خرده‌پا و اجاره‌داران	- یکپارچگی اکولوژیکی
- مهارت‌های اولیه برحسب گروه‌های درآمدی و جنسیت	- آسیب‌پذیری در برابر حوادث طبیعی
- دسترسی طبقه صاحب‌درآمد به خدمات اجتماعی اولیه	منابع پایه:
ساختار اقتصاد روستایی	- کیفیت خاک و میزان فرسودگی آن
- ترکیب بخش‌های زیربنایی	- میزان منابع آبی
- بخش اول: استخراج معدن، شیلات، جنگلداری	- منابع جنگلی - معدن
- بخش دوم: کارخانجات تولیدی و عمل آوری	محیط مصنوعی
- منابع و محصولات کشاورزی	- مزرعه (آبیاری، زهکشی، ذخیره‌سازی)
- بخش سوم: گردشگری، تجارت، خدمات رسانی	- روستا (جاده، پل، آب، برق، مسکن وسایل ارتباطی)
ضرایب افزایش بالادست و پایین دست	- شهری (بازارها و جاده‌های روستایی، آب،
- محصولات تولید شده محلی	فاضلاب، برق، وسایل ارتباطی
- صنعت عمل آوری و دیگر صنایع کشاورزی	- منطقه‌ای (جاده‌های بین شهری، برق، وسایل
- فروش در میزان تجاری، ارائه خدمات به تولید	ارتباطی، بازارها)
- کنندگان و مصرف کنندگان	پیوندها و نظام فضایی:
توزیع نیروی کار	- تراکم جمعیت روستایی
- نرخ مشارکت و نرخ وابستگی	- سطح شهرنشینی و پیچیدگی نظام شهری
- مزارع کوچک و مزارع بزرگ سرمایه‌داری (یادولتی)	(تعداد شهرهای کوچک و بزرگ، جریان
- کشت و صنعتها و کشت و کار اجاره‌ای	ترافیک جاده‌ای، حمل و نقل آبی و هوایی)
- توزیع زمین‌های کشاورزی به تفکیک دولتی، خصوصی و اشتراکی	- پیوندهای ارتباطی
	- مهاجرت جرحشی در منطقه و با سایر مناطق
	- سازمان‌ها و تعاونی‌های تولید

در نهایت این که پیوندهای میان شهر و روستا همچنین به رابطه با شبکه‌های فضایی بزرگتر سایر شهرها و مسیر جریان‌های حمل و نقل و ارتباطات بستگی دارد و به عنوان مثال، همانگونه که پیشتر ذکر شد، بسیاری از بررسی‌ها نشان می‌دهند که با بهبود امکانات حمل و نقل به شهرهای

دورتر و بزرگتر نقش شهرهای منطقه‌ای به عنوان مراکز تجاری، مراکز عمل آوری محصولات کشاورزی و غیره به تدریج کم‌رنگ می‌شود و از بین می‌رود.

از آنجا که این امر، فرآیندی پویا است، کارکردهای متغیر شهری نیز همانند آن پویا خواهند بود. فعالیت‌هایی که در گذشته در مکانی وجود داشت با پیدایش نظام‌های فضایی وسیع‌تر رنگ می‌بازند. در مجاورت هم قرار داشتن آبادی‌ها، علاوه بر دامن زدن به معضل دسترسی به بازار، منجر به ایجاد رقابت میان مناطق در زمینه مزایات تطبیقی و پتانسیل اقتصادی می‌گردد. به عنوان مثال مرتبط ساختن مناطق جدا افتاده تقریباً مستقل از نظر اقتصادی، به شبکه‌های ملی و بین‌المللی ماهیت و نقش شهرها در این گونه مناطق را به سختی متحول خواهد ساخت.

پیوندهای میان شهر و روستا در اندونزی معاصر

بررسی که تحت عنوان «Banjarnegara» در اندونزی انجام شد تنها بررسی است که به مسأله‌ی هم‌پیوستگی‌های روستایی شهری توجه بسیاری داشته است. با وجود این حتی همین مطالعه نسبتاً جامع نیز هیچ اشاره‌ای به میزان متغیرهای پیش‌گفته نمی‌کند. با این وجود تحقیقات گسترده‌ای در زمینه برخی جنبه‌های هم‌پیوستگی‌های روستایی شهری در فرآیند توسعه منطقه‌ای انجام شده است. از میان بررسی‌های ارزشمندتری که در این زمینه صورت گرفته است می‌توان به مطالعه در زمانی صورت گرفته در هشت روستای منطقه جاوه (Jawai) در یک دوره ۲۵ ساله یعنی از اوایل دهه ۱۹۷۰ اشاره کرد. گرچه این بررسی به طور مشخص ربطی به شهرها ندارد اما در برگزیده اطلاعات بسیار مفیدی در زمینه تبدیل و تحولات روستایی بوجود آمده در جاوه در طول یک دوره از گسترش شدید شهری و گسترش بسیار سریع تعامل روستایی - شهری و شبکه‌های حمل و نقل روستایی - شهری می‌باشد. یکی از تازه‌ترین نتایج برگرفته از این بررسی در سال ۱۹۹۳، این است که وجود اختلافات فاحش میان روستاها تنها ماحصل قابلیت زمین و دیگر قابلیت‌های روستایی نمی‌باشد بلکه این امر به فاصله نسبی این روستاها با مراکز شهری بزرگ نیز بستگی دارد. بر اساس این بررسی سه‌گونه منطقه‌ی روستایی وجود دارد:

۱- روستاهای واقع در محدوده‌ی ۶۰ کیلومتری شهرهای بزرگ که به سرعت در حال صنعتی شدن هستند. از مشخصات این روستاها رفت و آمد بسیار زیاد اهالی آن‌ها به کارخانجات و دیگر مشاغل واقع در حومه شهرهای بزرگ می‌باشد. (اکثریت این کارگران را زنان تشکیل می‌دادند که این امر منعکس کننده گسترش سرمایه‌گذاری‌های فراملی در صنایع عمل آوری - صادراتی که عامل محرکه رشد اقتصاد شهری در اندونزی است می‌باشد، سرمایه‌گذاری‌هایی که کارگران زن را در ارجحیت قرار می‌دهد). بخش اعظم ناحیه پست جاوه در این مقوله جای می‌گیرد. در این ناحیه راه‌های خوبی به اکثر روستاها کشیده شده است و هر ساعت و یا زودتر از آن کامیون‌ها و اتوبوس‌ها به آن‌ها در رفت و آمدند. در بسیاری از موارد، کارخانجات اتوبوس‌های خود را برای آوردن کارگران به سرکار به روستاها

گسیل می‌داشتند. ارتباطات در این منطقه بین‌المللی شده است و در اکثر خانه‌ها دستگاه تلویزیون وجود دارد. رژیم‌های تولید کشاورزی با توجه به کاهش فزاینده‌ی نیروی کارگری در فصول خاص تولید دگرگون شده و دستمزد کارگران کشاورزی نیز افزایش یافته است. همچنین در این نواحی قیمت زمین‌های کشاورزی و فروش این زمین‌ها به افراد غیر ساکن روستا (یعنی غریبه‌ها) افزایش یافت.

۲- روستاهای واقع در نواحی برنج‌خیز که ممکن است در مجاورت یک شهر باشند اما خارج از محدوده ۶۰ کیلومتری شهرهای صنعتی قرار دارند. در این روستاها هر ماهه و هر ساله مهاجرت‌هایی برای کارایی در شهر انجام می‌شد ولی اکثر ساکنین آن‌ها تمام وقت بر روی قطعه زمین‌های کوچکشان کار می‌کنند. بدلیل مهاجرت‌های سالانه کمبود نیروی کار کشاورزی وجود داشت. در روستایی که فرصت‌های شغلی متعدد بود، دستمزد کارگران کشاورزی افزایش یافت اما در روستاهایی که کشاورزی تنها شغل ساکنین بود این دستمزد ثابت ماند. کیفیت خانه‌های روستایی روبه بهبود نهاده بود با این وجود اکثریت اهالی در خانه‌های گلی و خیزرانی زندگی می‌کردند. بیکاری به غیر از برای افراد بیشتر تحصیل کرده که از کار بر زمین‌های کشاورزی اجتناب می‌نمودند، بسیار اندک بود. اکثر کودکان در حال گذراندن دوره‌ی راهنمایی بودند و کاهش نرخ رشد جمعیت منجر به کاهش تعداد کودکان دبستانی شده بود. اکثر روستاها، به غیر از روستاهای دور افتاده و صعب‌العبور، از نعمت برق برخوردار بودند.

اکثر خانوارها تلویزیون داشتند. روزنامه‌ها هر روز به دست روستائیان می‌رسید و حداقل روزی یکبار اتوبوس‌ها و کامیون‌ها به این روستاها تردد می‌کردند. در مقایسه با یک دهه‌ی گذشته پیشرفت‌های چشمگیری در سبک زندگی و رفاه روستائیان مشهود بود، گرچه دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهد که این پیشرفت‌ها غیر یکنواخت صورت گرفته است.

۳- روستاهای واقع در مناطق مرتفع و به دور از شهرهای بزرگ امکانات ارتباطی در این روستاها بسیار ضعیف بود و به دلیل دوری از شهرها و مشاغل غیرکشاورزی، اهالی عمدتاً به کار کشاورزی برای امرار معاش متکی بودند. به دلیل وابستگی به تولید چند محصول ثابت (قهوه و میخک) که قیمتشان نیز رو به افول بود سطح زندگی مردم پایین‌تر آمده بود. ساکنین جوانتر و دارای سطح سواد بالاتر برای کار در کارخانه‌ها و امور ساختمانی و نیز کار کشاورزی در نواحی پست‌تر برای تولید برنج و نیشکر از روستاها مهاجرت می‌کردند. به دلیل همین مهاجرت‌ها، ساکنین به تولید محصولات روی آوردند که نیاز به نیروی کارگر چندانی نداشت. برق رسانی در حال گسترش بود اما برخورداری از این نعمت به سطح سایر مناطق نمی‌رسید.

صنایع روستایی چون آجرسازی، صنایع دستی، عمل آوری محصولات کشاورزی (تولید شکر از نیشکر قرمز) در حال ازدیاد بود اما اکثر این فعالیت‌ها درآمد و فواید چندانی نداشتند. تلویزیون نیز کم‌کم جای پای در میان خانوارهای روستایی باز کرده بود اما هنوز فراگیر نشده بود. با بهره‌گیری از این یافته‌ها و نیز به دلیل کمبود تحقیقات بیشتر در

زمینه‌ی به هم پیوستگی‌های روستایی - شهری باز دیدهایی از چندین روستا به عمل آمد که در مجموعه‌ی «دستور مخصوص ریاست جمهوری برای ریشه کنی فقر از روستا (IDT)» جای می‌گرفتند. برخلاف دیگر طرح‌های فقرزدایی، طرح IDT دو ویژگی اصلی دارد. اول آن که در این طرح میزان فقر بر اساس میزان درآمد یا خواسته‌ها و نیازهای اولیه ساکنان یک منطقه سنجیده نمی‌شود بلکه بر مبنای میزان و سطوح زیرساخت‌ها و مرتبط بودن با شبکه‌های حمل و نقل منطقه‌ای و شهری ارزیابی می‌گردد.

دوم آن که، سعی شده این طرح بسیار غیر متمرکز باشد و انجام پروژه‌ها بر مبنای منطقه‌ای انجام شود. در سپتامبر سال ۱۹۹۶، از سه روستا در حومه‌ی «یوگیاکارتا» در مرکز جاوه که قرار بود در آن‌ها طرح IDT به اجرا در آید، بازدید به عمل آوردند. یکی از آن‌ها در شرق «لومبوک» قرار داشت و دیگری نیز در نواحی تپه‌ای نزدیک «بیما» در جزیره «سامباوا» واقع بود.

سه روستای واقع در مجاورت یوگیاکارتا

در حقیقت دو روستای واقع در مجاورت یوگیاکارتا از ارتباطات جاده‌ای و حمل و نقلی خوب و نعمت برق بهره‌مند و نسبتاً مرفه بودند. سومین روستا با یوگیاکارتا تا حدود سی دقیقه فاصله داشت و در تپه‌های ناحیه‌ی تاریخی «پرامبانان» که جایگاه معابد و کاخ‌های اقوام هندو بود قرار داشت. این روستا از راه‌های ارتباطی بسیار بدی برخوردار بود و میزان درآمد و رفاه ساکنانش خیلی کمتر از دو روستای دیگر بود.

در خلال سال‌های اخیر شهر یوگیاکارتا پیشرفت رفاهی خوبی داشته است. این امر عمدتاً به این علت بوده که این شهر در حکم مرکز ملی دارای انواع سطوح آموزش و پرورش بوده است و مناطق کشاورزی تحت نفوذ آن چندان در این زمینه دخیل نبوده‌اند. روند ساخت مدارس و دانشگاه‌ها در این شهر همچنان ادامه دارد و والدین همچنان فرزندان خود را برای تعلیم و تربیت از نقاط مختلف کشور به این شهر نسبتاً امن که کیفیت عالی آموزش در آن جا نیز زبانزد خاص و عام است، می‌فرستند. از این رو، اقتصاد اکثر روستاهای حومه‌ی این شهر به گونه‌ای فزاینده در زمینه‌ی تولید فرآورده‌های مورد نیاز ساکنان شهر یوگیاکارتا و همچنین دیگر شهرهای منطقه رشد پیدا می‌کرد.

به عنوان مثال اقتصاد یکی از روستاهای حومه‌ی این شهر به تولید «سالاک پاندوک» میوه‌ای که در سرتاسر جاوه محصول دهی دارد، مختص شده است. چراکه عموماً عقیده دارند که «سالاک پاندوک» این روستا بسیار خوشمزه‌تر از سایر جاهاست. تولیدکنندگان این محصول فقط ساکنان این روستا نیستند بلکه شهرنشینان بسیاری نیز با اجاره‌ی زمین و کارگر روستایی به تولید این محصول اقدام می‌کنند. فرآیند توسعه این روستا در کنار جاده‌ای است که از مرکز آن می‌گذرد زیرا اهالی با برپایی جایگاه‌هایی به فروش «سالاک پاندوک» اشتغال دارند.

در فاصله‌ای نه چندان دور از این روستا، روستای دیگری واقع است که جزو طرح IDT است و ساکنانش در تولید سفال و کوزه‌گری فعالند. صاحب یکی از فروشگاه‌های عمده‌ی صنایع سفالی می‌گفت که در دهه‌ی

هفتاد میلادی ناچار بود، سفالهایش را برای فروش به شهرهای دیگر ببرد. اما در دهه‌ی هشتاد تصمیم گرفت که در روستای زادگاهش مغازه‌ای افتتاح کند و هم اکنون به خود می‌بالد که علاوه بر صدور سفالهایش به اقصی نقاط اندونزی در دیگر کشورهای مجاور از جمله استرالیا نیز بازارهایی به دست آورده است. مغازه‌های دیگر کوزه‌گری روستا نیز رشد و پیشرفت چشمگیری داشته‌اند و روستا در کل با صنعت کوزه‌گری عجین شده است. با این وجود در روستا خاک رس اعلا و مرغوبتر از سایر نقاط وجود ندارد.

چنین به نظر می‌رسد که فعالیت‌های تجاری ساکنان روستا در کنار رفاه رو به رشد ساکنان یوگیاکارتا که اقتصادش بر مبنای عرضه سطوح مختلف خدمات آموزشی است، از بهبود و توسعه ارتباطات با شهرهای مرکزی جاوه نیز بهره می‌برد.

سومین روستا در یک ناحیه‌ی تپه‌ای خشک، فاقد هرگونه راه آسفالت‌ه واقع است. تولید اصلی این روستا سنگ آهکی بود که از زیرزمینهای کشت برنج استخراج و برای ساخت بناهای شهری این روستا صادر می‌شد. جاده‌ای به روستا کشیده شده بود اما هنوز به صورت شوسه بود. با این وجود همین راه شوسه، راه را برای ورود کامیون‌های حمل سنگ آهک فراهم ساخت تا پیش از آن، ساکنان روستاها قطعات سنگ آهک را بر روی سرهای خود به پایین تپه حمل می‌کردند. گرچه با آمدن کامیون‌ها از زحمات روستاییان تا حد بسیاری کاسته شده اما نمی‌توان انتظار افزایش درآمد روستاییان را داشت. برآوردهای تخمینی بیانگر آن است که در پایان روز روستاییان دارای زمین‌های سنگ آهک درآمدی معادل کارگران بدون زمین منطقه دارند و از آن جا که صاحب کامیونها نیستند این احتمال وجود دارد که خریداران شهری که تعدادشان نیز محدود است سنگ آهک استخراجی روستاییان را به قیمت دلخواه و گاه ناعادلانه خریداری نمایند. چنین اوضاع و احوالی در شرق اندونزی بیشتر مشهود است.

تولید محصولات کشاورزی در روستای مرتفع واقع در مجاورت «یوگیاکارتا» بدلیل کمبود آب بسیار محدود شده بود. در هر سال امکان برداشت یک نوع محصول برنج دیمی وجود داشت که این میزان جوابگوی نیاز خانوارهای روستایی نبود. از این رو روستاییان مجبور به خرید برنج و دیگر اقلام کشاورزی بودند و پول لازم برای این کار نیز تنها از طریق فروش سنگ آهک تأمین می‌شد.

با توجه به شرایط نامساعد کشاورزی، ساکنان این روستا از وام‌های IDT برای خرید گوساله و پروار بندی و فروش آن‌ها در خارج از روستا استفاده می‌کردند. خانوارهای این روستا با کمک دولت، هر یک دارای یک منبع سیمانی ذخیره آب بودند اما در شهر یور تقریباً تمامی این ذخیره‌گاه‌ها خالی از آب می‌شد. خانه‌های این روستاها عمدتاً از گل و چوب بنا شده بود. نکته‌ی تعجب برانگیز این است که گرچه فاصله این روستا از «یوگیاکارتا» کمتر از ۳۰ دقیقه است اما از بسیاری جهات میزان تعامل آن‌ها با این شهر بسیار اندک است. ساکنان روستا می‌گفتند که تاکنون، به هر دلیل هرگز به «یوگیاکارتا» نرفته‌اند. گرچه امکان کارایی در این شهر وجود دارد اما روستاییان معتقدند از آن جا که از دیر باز هیچ گونه شبکه‌هایی یا روابط

اجتماعی در آن جا ایجاد نموده‌اند، بدون وجود این روابط و شبکه‌ها کسی شغلی به آن‌ها نمی‌دهد. اکثر مطالعات مهاجرت‌شناسی به وجود این نوع نگرش و احساس اشاره می‌کنند و بیان می‌دارند که معاجرت برای کار یابی زمانی صورت می‌گیرد که شخص مهاجر پیشاپیش از وجود کار در محل مورد کار در محل مورد نظر اطمینان حاصل کرده باشد. به عنوان مثال، در بسیاری شهرها برخی مشاغل خاص همچون بستنی‌فروشی، مختص مهاجران یک منطقه یا یک روستا است.

دانش‌آموزان این روستا مجبور بودند با پای پیاده عازم شوند. در طول فصول طولانی بی‌آبی، آب کافی وجود نداشت. حتی رمه را برای چرا و آب‌دهی، از تپه‌ها به زیر می‌بردند. حتی با بهبود راه‌ها و پیدایش امکان رفت و آمد روزانه میان این روستا و شهر «یوگیا کارتا» نیز پیش‌بینی نمی‌شود که پیشرفت چندانی در اقتصاد روستا حاصل شود. نبود منابع اجتماعی و آب کافی مبین آن است که حتی با گسترش جاده‌ها چنین امری میسر نخواهد گشت. شاید اگر استخراج‌کنندگان سنگ آهک خود دارای کامیون بودند و می‌توانستند یک اتحادیه کامیون‌داران تشکیل دهند، در مقابل خریداران از جایگاه بهتری برخوردار می‌بودند. به هر حال اگر این روستا بخواهد واقعاً از گسترش راه‌های ارتباطی روستایی - شهری بهره‌مند گردد باید توجه مستقیم به عوامل اجتماعی - اقتصادی را با برنامه‌ریزی برای گسترش زیر ساخت‌ها با هم پیش ببرد.

روستاهای دورافتاده در «لومبوک» و «سامباوا»

«لومبوک» و «سامباوا» بخشی از ناحیه‌ی بزرگ «اندونزی شرقی» هستند که به نظر می‌رسد محروم‌ترین و دورافتاده‌ترین مناطق اندونزی در آن ناحیه واقع شده باشند. در مقایسه با سایر مجمع‌الجزایر عمده، جمعیت دو جزیره‌ی لومبوک و سامباوا نسبتاً زیاد است و حتی در برخی نقاط پراکندگی جمعیت تقریباً مساوی جمعیت جاوه است. در هر دو جزیره میزان تنوع به لحاظ منابع پایه، قابلیت اقتصادی و ارتباط با اقتصاد ملی و بین‌المللی بسیار زیاد است. در جزیره «لامبوک» عمده‌ترین تحول اقتصادی مشهود، گسترش گردشگری بین‌المللی است که مرکز آن ناحیه‌ی ساحلی سنگیجی^(۳) است که در حال حاضر حدود ۴۵ درصد عایدات اقتصادی لومبوک غربی از این ناحیه تأمین می‌شود. به هر حال، صنعت گردشگری عمدتاً محدود است به یک یا دو فصل اصلی (ماه اوت و از اواخر دسامبر تا اوایل ژانویه) و در مابقی سال رونق چندانی ندارد. با وجود سواحل ماسه‌ای سفید بسیار و مجاورت با «بالی»^(۴) چنین به نظر می‌رسد که در طول سال‌های آینده گردشگری اساسی‌ترین عامل رشد این جزیره باشد. در دیگر نقاط جزیره، تنباکو کشت رایج است. گرچه آبیاری به روش صنعتی وجود دارد

اما در بسیاری از نواحی خشک جزیره کشت برنج و دیگر محصولات نیازمند آب باران است. تقریباً هیچ مقدار از برگ تنباکوی تولید شده در روستاها، در این روستاها و حتی در سطح جزیره‌ی لومبوک خشک و عمل‌آوری نمی‌شوند. محصولات تنباکوی تولید شده برای عمل‌آوری و

فروش به جاوه فرستاده می‌شود. از این رو، مقدار بسیار اندکی از ارزش افزوده‌ی تنباکو نصیب ساکنان لامبوک می‌شود و بدین سبب قابلیت اندکی برای سطوح بالای سرمایه‌گذاری مجدد و تنوع بخشی به اقتصاد جزیره باقی می‌ماند. کشاورزان می‌گویند که اگر قادر باشند تنباکوی تولیدی خود را قبل از فروش بخشکانند درآمدشان دو برابر خواهد شد اما همدستی و هماهنگی میان خریداران مانع از تحقق این امر می‌شود.

یکی از خصوصیات اصلی اقتصاد اکثر روستاهای لامبوک، مهاجرت کارگران این ناحیه به مالزی است که توسط استخدام‌کنندگان حرفه‌ای صورت می‌گیرد و در حال حاضر دولت مالزی ممانعتی از این کار به عمل نمی‌آورد.

در برخی روستاها، این مهاجران یک پنجم کل نیروی کار را تشکیل می‌دهند. درآمدهای این مهاجران، منبع اصلی نقدینگی در روستاهای این منطقه است که همگی معتقدند خالی از مردان بالغ شده‌اند.

دو روستای مه نیس و پنگ کلاک ماس^(۵) که در شرق لومبوک واقعند جمعیتی به ترتیب برابر ۷۰۰ و ۱۲۰۰ خانوار دارند. قرار بود تا اواسط ۱۹۹۷، با ساخت یک پل و جاده فرعی این روستاها به جاده اصلی «کابوپاتن» متصل گردند. با تحقق این امر، برای اولین بار کامیون‌ها قادر به تردد به پنگ کلاک ماس خواهند بود و از این رو تعامل این روستاها با شهرها و انتقال فرآورده‌های کشاورزی به شهرها افزایش چشمگیری خواهد یافت. در حال حاضر یک روز طول می‌کشد که روستاییان محصولات خود چون تنباکو را به کنار جاده اصلی برده، تحویل واسطه‌ها دهند. همچنین ماهیگیران روستای همجوار نیز امیدوارند که با احداث پل و جاده فرعی بتوانند ماهیهای صید شده‌ی خود را به مراکز شهری واقع در جزیره ببرند. با افزایش زمینه‌ی فروش، درآمدها افزایش می‌یابند و همچنین با بهبود شبکه‌های ارتباطی بر میزان محصولات فروشی نیز اضافه می‌شود. از آن جا که حتی افزایش بسیار زیاد در حجم تولید روستا بر قیمت فرآورده‌های روستایی تأثیر منفی نخواهد گذاشت، فروش بیشتر نیز قیمت‌ها را کاهش نمی‌دهد مگر آن که خریداران با اجرای تدابیر و فعالیت‌های انحصار گرایانه چنین امری را جامه عمل بپوشانند.

در روستاهای «سامبورلاما» و «تتا»^(۶) که در تپه‌های مشرف به «بیمبا» در «نوسا تنگارا بارات» واقعند به تازگی راه‌های تازه‌ای ساخته شده که آن‌ها را به جاده‌ی «کابوپاتن» مرتبط می‌سازد. با ساخته شدن این راه‌ها طبق معمول انتظار می‌رود که: فروش محصولات کشاورزی در مقیاس تجاری افزایش یابد، دسترسی اهالی به خدمات شهری و مدارس بیشتر شود، و درآمد و رفاه عمومی افزایش یابد. روزانه سه بار چندین مینی‌بوس برای نقل و انتقال اهالی این دو روستا در ترددند گرچه هنوز رفت و آمدشان به گونه‌ای تنظیم نیست که همزمان با دو شیفت مدارس باشد. رفت و برگشت کودکان با پای پیاده به مدرسه هر کدام ۳ ساعت طول می‌کشد در صورتی که این مسیر با مینی‌بوس تقریباً ۲۵ دقیقه است.

در خود شهر بیمبا ترکیب جالبی از چندین عامل وجود دارد که پدیدآورنده‌ی رفاه و پیشرفت نسبی آن است. این شهر که در حکم مرکزیت

سلطان‌نشین منطقه است از لحاظ سیاسی مورد توجه قرار دارد و از این رو در مقایسه با شهرهای هم‌سعتش از بودجه‌ی عمومی بیشتری برخوردار است. طرح و نقشه‌ی شهر خوب است و شبکه‌ی جاده‌ای و دیگر زیرساخت‌های آن بسیار مطلوب می‌باشد. این شهر همچنین نقطه اصلی ارتباط و توقفگاه موقت برای گردشگرانی است که به جزیره «کومودو» می‌روند، جزیره‌ای که زیستگاه کروکودیل‌های «کومودو» و مرکز جذب گردشگر می‌باشد. گرچه در حال حاضر تعداد هتل‌های این جزیره بسیار کم است اما هتل‌های جدیدی در دست ساخت است و با ایجاد خطوط هوایی مطمئن‌تر با «ماتارام» و «دنپاسار» انتظار می‌رود که رشد اقتصادی ناشی از گردشگری بین‌المللی به صورت پیوسته بیشتر گردد. یکی از مدیران هتل می‌گفت که طرح‌هایی سازماندهی شده که هدف از آن‌ها استخدام و تربیت جوانان مستعد روستایی برای هتلداری می‌باشد. با توجه به اجناس عرضه شده در فروشگاه‌های شهر چون البسه و خوراک، تلویزیون استریو، وسایل الکتریکی می‌توان دریافت که این شهر دارای طبق متوسط گسترده‌ای است، که قریب به دو هزارتن از آنها کارمندان دولت چون معلمان، بهروزان و برنامه‌ریزان و مدیران هستند.

گرچه این منطقه پیاز و گوشت به جاوه صادر می‌کند اما عمل‌آوری این محصولات خیلی کم در سطح منطقه صورت می‌گیرد و ظاهراً حیات شهر عمدتاً به طیف گسترده‌ی کارکنان دولت ساکن در آن جا وابسته است. همانگونه که در اقتصاد وابسته به آموزش و پرورش «یوگیا کارتا» دیدید این امر می‌تواند تقاضا برای محصولات پایه و دیگر محصولات کشاورزی دارای ارزش افزوده را که از ناحیه روستایی تحت نفوذ آن تأمین می‌شود افزایش دهد.

خلاصه‌ای از مشاهدات

با بهره‌گیری از بررسی‌های صورت گرفته در اندونزی و با مقایسه سه روستای اطراف یوگیا کارتا و روستاهای واقع در دو جزیره‌ی لومبوک و سامباوا نتایج چندی می‌توان گرفت که مبین آن هستند که چگونه تمایز منطقه در دو سطح «فرد-فضایی» (روستا) و «کلان-فضایی» (منطقه و فراتر از آن) ایجاد می‌شود:

- ۱- تخصیص شدن بازارها در مقیاس روستایی صورت می‌پذیرد، حتی در روستاهای فقیر و حتی میان روستاهای واقع در یک منطقه
- ۲- تعامل روستایی-شهری، حتی در روستاهای واقع در مجاورت شهرهای بسیار بزرگ ممکن است اندک باشد. این امر حاصل کمبود راه‌های مواصلاتی و شرایط اجتماعی-اقتصادی خاص روستای مورد نظر می‌باشد.
- ۳- بهبود به هم پیوستگی‌های فضایی، مثلاً از طریق توسعه‌ی راه‌ها، تأثیر نامشخصی بر روستاها دارد. گرچه از این طریق دسترسی به مدارس و سایر خدمات افزایش می‌یابد اما به دلایل مختلف تأثیرات مثبت این امر بر درآمدها چندان مشخص نیست که من جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

در خرید محصولات روستایی، فعالیت‌های انحصارگرانه‌ی خریداران همچنان ادامه دارد، افزایش عرضه ممکن است قیمت محصولات عرضه شده را کاهش دهد، یک روستا ممکن است از مزیت و جایگاه مقایسه‌ای چندانی برای فروش محصولات خود برخوردار نگردد چراکه میزان دسترسی سایر روستاها به بازارهای مختلف نیز افزایش می‌یابد و در صورت بهره‌برداری غیرپایدار از منابع طبیعی، این منابع پایان خواهد یافت. ۴- پتانسیل روستاها ریشه در «فضای مطلق آن» - ماهیت منابع انسانی و فیزیکی آن - و «فضای نسبی آن» - میزان ارتباط آن با نظام‌های بزرگتر شهری و منطقه‌ای دارد. پتانسیل یک روستا فقط به منابع طبیعی موجود در آن و یا موقعیت اقتصادی آن در گذشته بستگی ندارد، گرچه این دو مهم هستند.

۵- روستاهای موفق‌تر با بیشتر از یک مرکز شهری تعامل دارند. دسترسی به شبکه‌های شهری منطقه‌ای و ملی امکان فروش محصولات را افزایش می‌دهد و همچنین مانع از گسترش بازارهای تک خریداری می‌شود. این امر همچنین ایجادگر فرصت‌های درآمدزایی متعددی برای اعضای خانوارهای روستایی است.

۶- به هم پیوستگی‌های روستایی-شهری بسیار خاصند و معمولاً حوزه‌ی کاملی از فعالیت‌ها را در بر نمی‌گیرد.

۷- میزان اطلاعات درباره به هم پیوستگی‌ها، از دور و از خارج از یک منطقه یا حتی یک کشور بسیار چشمگیر می‌نماید (آواز دهل از دور خوش است) ۸- از این رو انواع گوناگون جریان‌ها میان روستا و شهر با سرعت‌های مختلف و با الگوهای فضایی مشخص ایجاد می‌شود. جریان افراد همانند جریان کالاها یا سرمایه نیست. به هر حال یک ماتریس فضایی کلی برای تعامل وجود دارد که بسیاری از جریان‌ها در درون آن مهار شده‌اند و شهرها و روستاها نیز در درون آن به ایفای نقش‌های خود می‌پردازند. با گسترش و تحول این ماتریس بواسطه‌ی عوامل جهانی، ملی و منطقه‌ای نقش‌های شهرهای روستایی نیز تعددتر می‌شود.

۹- ظاهراً رشد و رفاه شهرهای عمده، علی‌الخصوص شهرهای مراکز اداری در جزیره‌های مختلف اندونزی (به غیر از جزیره جاوه) بستگی دارد به وسعت و گسترش طبقه‌ی کارمندی، از این رو استخدام در بخش دولتی و صرف بودجه‌های دولتی از عوامل مهم به هم پیوستگی‌های روستایی-شهری می‌باشد. همچنین این منابع غیر منتظره‌ی تقاضای محلی می‌تواند پتانسیل تولیدات روستایی در زمینه‌ی فرآورده‌های کشاورزی دارای ارزش افزوده، غذاهای عمل آورده شده و صنایع دستی روستایی را افزایش دهد.

۱۰- پیدایش شبکه‌های منطقه‌ای روستایی و شهری به وضوح در جریانات ترافیکی نمود آشکاری می‌یابد. دو عامل اصلی چگونگی شکل‌گیری این شبکه‌ها را بیان می‌دارد. اول آن که، پیدایش تمایز در محصولات در سطح فرد، تعاملات منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای را افزایش می‌دهد. دوم آن که با گسترش اتوبوس‌های روستایی به شهر و بالعکس سطح تعامل روزانه لازم برای مرتبط ساختن هر چه بیشتر یک روستا با سایر روستاها و شهرهای منطقه افزایش می‌یابد، که البته حمل و نقل بندری و دیگر انواع حمل و نقل

سرعت بخش این آشنایی و ارتباط است.

۱۱- مناطق روستایی واقع در خارج از جاوه، به هم پیوستگی های «پسین» و «پیشین» بسیار کمی میان تولید در سطح روستاها و دیگر بخش های اقتصادی دارند. اکثر فرآورده های روستایی بصورت خام و بدون هیچگونه تغییری به جاوه و یا خارج صادر می شود. دلیل این امر وجود قوانین دولت ملی است، که بر طبق آن تمامی اقدامات عملی آوری باید در جاوه انجام گیرد. گرچه ممکن است این اقدامات به گونه ای کارآمدتر در سطح منطقه انجام شود. ناتوانی در انجام این امور یکی از موانع عمده در زمینه توسعه به هم پیوستگی های روستایی- شهری به گونه ای پویاتر می باشد. این ناتوانی همچنین ایجادگر نابرابری های گسترده تری است چرا که ارزش افزوده محصولات کشاورزی پس از عمل آوری به جیب مناطق کلان شهر و مرکزی ملی سرازیر می شود و تولیدکنندگان روستایی با آن همه زحمت برای تولید محصول، از آن بی بهره می مانند.

۱۲- جریان های مالی به روستاها معمولاً بر مبنای فردی (کارکردن در شهر و فرستادن نقدینگی حاصله به روستا) صورت می گیرد نه بر مبنای نهادی (مثل بانکها). دسترسی آسان خانوارهای روستایی به وام های کم بهره یکی از ضعیف ترین نقاط روابط روستایی- شهری است.

۱۳- با ورود تلویزیون حتی در روستاهای کم درآمد، اطلاع رسانی بسیار بهتر و بیشتر شده است. گرچه بدین وسیله دسترسی به اطلاعات ملی و بین المللی در زمینه سیاست، اقتصاد و بازرگانی تسهیل شده است اما محتوی برنامه ها چندان کارآمد و کارساز و مفید برای تولیدکنندگان روستایی خرد پا نیست. به هر حال با گنجاندن برنامه هایی مفید در زمینه بازارهای محلی و شاخص های اقتصادی و تولیدکنندگان منطقه ای و مواردی از این قبیل، تلویزیون دردی از روستاییان را نیز درمان خواهد کرد و رفاه بیشتر آن ها را به همراه خواهد آورد.

۱۴- به نظر می رسد تبعات زیست محیطی و اکولوژیکی گسترش به هم پیوستگی های روستایی- شهری محلی از اعراب در طرح های توسعه شهری و منطقه ای نداشته باشد. استثمار منابع طبیعی مناطق روستایی توسط شهرها، در سراسر دنیا موجب تخریب محیط زیست گشته است و همچنین گسترش شهرها به سوی مناطق روستایی از عوامل مهم فرسایش و تخریب خاک و زمین است. از این رو، افزایش پتانسیل تنوع اقتصادی در مناطق روستایی می تواند از وابستگی به استثمار بیش از حد منابع طبیعی بکاهد. به این ترتیب درک عواقب زیست محیطی تعامل میان روستا و شهر به پایدار شدن توسعه منطقه ای کمک خواهد نمود.

۱۵- پر واضح است که در دو دهه ای گذشته، تعامل شهر و روستا، به بویژه در زمینه توسعه راهها و پیدایش تلویزیون افزایش قابل توجهی داشته است. گرچه این ها در حکم ابزاری برای توسعه رفاه بوده اند اما نتوانسته اند نابرابری منطقه ای میان شهر و روستا را در زمینه درآمد کاهش دهند. تحقق این هدف مستلزم ایجاد چرخه های سالم توسعه روستایی- شهری در مقیاس منطقه ای است. توسعه زیربنای اقتصادی گرچه بسیار مهم است اما به تنهایی کفایت نمی کند.

در جستجوی دستور کاری برای پژوهش سیاستگذاری

با استفاده از آموخته هایمان از بررسی های به عمل آمده اکنون می توانیم به ارایه دستورالعمل برای تدوین خط مشی های متناسب با پیوندهای میان شهر و روستا پردازیم. نگاره های ۲ و ۳ سعی در تجزیه و تحلیل مسائل مطرح شده در قالب مقایسه دو نوع چرخه رابطه میان شهر و روستا دارد. در نوع اول یا چرخه آرمانی^(۷) پیوندهای شهر و روستا متقابلاً همدیگر را تکمیل می کنند. برعکس، در نوع دوم یا چرخه معیوب^(۸) ارتباط میان شهر و روستا به کاهش عملکرد هم روستا و هم شهر می انجامد. (نگاره ۲)، هم شرایط بین المللی (الف) و هم شرایط ملی (ب)، هر دو به سود سرمایه گذاری منطقه ای (ج) در بخش های پایه و داخلی ساختن سه اثر افزایشی اصلی عمل می کند.

۱- ایجاد اشتغال به صورت مستقیم با استخدام در فعالیت های صادراتی و به صورت غیرمستقیم از طریق استخدام در شرکت های تولید فرآورده های کشاورزی و عمل آوری آن ها.

۲- عمل آوری و ساخت محصولات عمده در سطح منطقه صورت می گیرد.

۳- خرید محصولات کشاورزی در سطح منطقه

وجود منابع اشتغالی مختلف، درآمدهای خانوارهای روستایی را بسیار افزایش خواهد داد. با افزایش درآمدها، تقاضا برای خدمات و کارکردهای شهری نیز افزایش می یابد. با گذر از هر حلقه اقتصاد متنوع شده، گسترش و عمق می یابد و با اضمحلال بخش های اقتصادی ناکارا، بخش های اقتصادی جدیدی جایگزینشان می شود. همچنین برنامه ریزی منطقه ای و مسئولیت تولیدکنندگان متحد شده، مبنای زیست محیطی منطقه را تجدید می نماید.

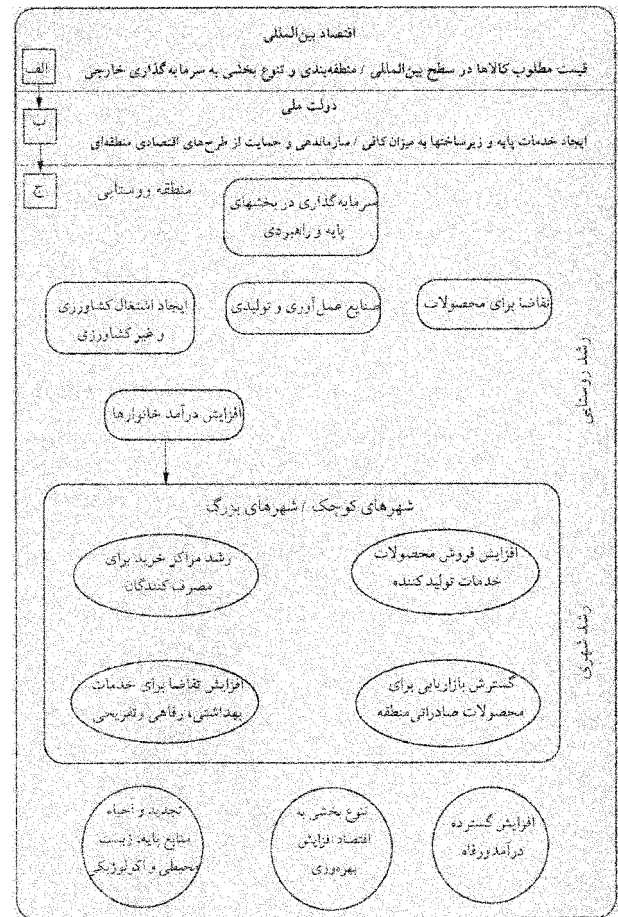
برخلاف چرخه آرمانی توسعه پایدار، نگاره ۳ بیانگر وضعیت رایج تر در مناطق روستایی می باشد، به ویژه مناطقی که دور از مراکز شهری بزرگ قرار دارند. از آنجا که این منطقه بیش از حد فعالیت هایش را منحصر به یک یا چند محصول صادراتی عمده نموده است، هرگونه نوسان قیمت این محصولات در بازارهای بین المللی، و لواندک تأثیر مخربی بر اقتصاد منطقه خواهد داشت. در این طرح، خدمات و زیرساخت های منطقه ای در مقایسه با مراکز شهری از اولویت و اهمیت کمتری برخوردارند و معمولاً متناسب ظرفیت و خواست ها نیستند. بخش پایه به هم پیوستگی های پسین و پیشین چندان ندارد و از این رو ایجاد اشتغال و افزایش درآمد خانوارها بسیار محدود می شود.

عملکرد ضعیف اقتصاد روستایی اثرات بازدارنده و منفی بر اقتصاد شهری و پتانسیل رشد آن دارد. وابستگی به منابع محدود، آسیب های زیست محیطی و فرسایش و تخریب خاک را بدنبال دارد. فقر و درآمدهای پایین همچنان وجود دارد. شهرها بیشتر به بودجه و برنامه ریزی دولتی وابسته اند تا اقتصاد روستایی. حتی در نقاطی که فعالیت های استخراج معدن و دیگر فعالیت های استخراجی درآمدزا چون جنگل داری وجود دارد، با مناطق روستایی تحت نفوذشان هماهنگی خوبی ندارند. این فعالیت ها در اندونزی عمدتاً با بازارهای بین المللی مرتبط هستند تا بازارهای منطقه ای. گرچه شهرهای مجاور در این فعالیت ها ممکن است رشد یابند اما تبعات این

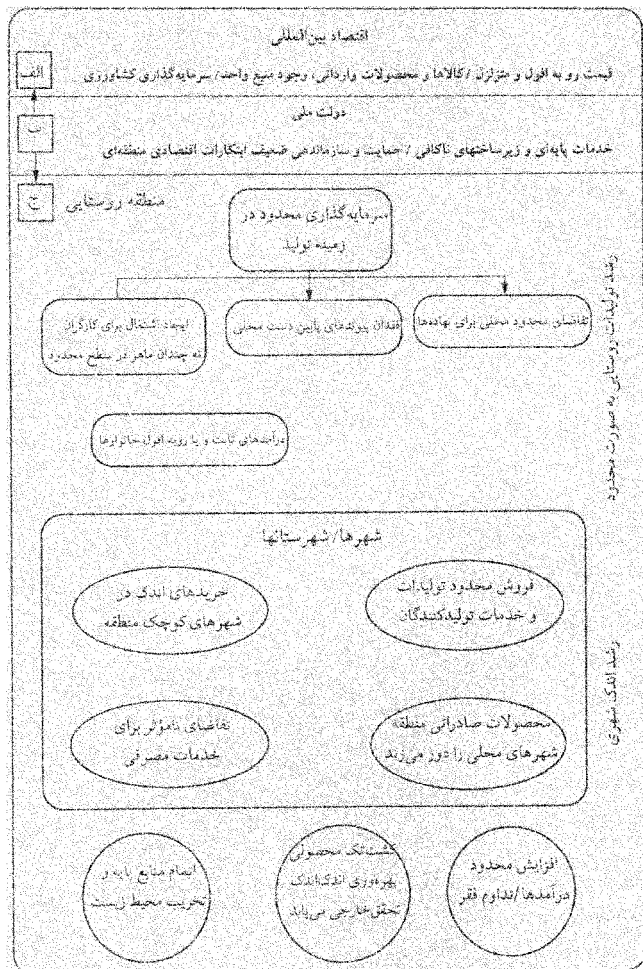
فعالیت‌ها برای نواحی روستایی مشکل‌ساز است و ممکن است تأثیراتشان هم مثبت و هم منفی باشد.

در این نگاره به پنج نوع جریان اشاره می‌شود: جریان افراد، تولیدات، کالاها، سرمایه و اطلاعات که هر یک اجزاء و اثرات متعددی دارد. هر یک از این جریان‌ها ممکن است الگوهای ارتباطی فضایی متفاوت و مزایای متغیری برای نواحی روستایی و شهری داشته باشد.

در نگاره‌های ۲ و ۳ چنین فرض شد که: برای تحقق اهداف ملی در زمینه‌ی ایجاد یک الگوی منظم‌تر توسعه فضایی باید جریان‌ها به سوی (Cycle) چرخه‌ی آرمانی پیوندهای منطقه‌ای پیش بروند. از این رو اگر این فرض صحت داشته باشد سیاست‌گذاری‌ها باید در راستای بهبود و افزایش احتمال بهره‌گیری از مزایای متقابل ناشی از جریان‌ها باشد. این سیاست‌گذاری‌ها صرفاً به جریان‌ها بسنده نمی‌کنند بلکه به عنوان مثال نقش فعالیت در روابط اجتماعی-اقتصادی، تولید، ظرفیت نهادی و حوزه‌های زیست محیطی را نیز بررسی می‌نمایند.



نگاره ۲: چرخه آرمانی توسعه منطقه‌ای و پیوند میان شهر و روستا



نگاره ۳: چرخه معیوب توسعه منطقه‌ای و پیوند میان شهر و روستا

به عنوان مثال می‌توان براساس یک بررسی در زمینه‌ی جریان افراد دریافت که افراد کمی برای کارایی به شهرستان‌های منطقه می‌روند. از این رو ابتدا باید دلایل ظرفیت پایین یک شهر برای جذب کارجو را بررسی کرد

گرچه اکثر مناطق ممکن است در حد فاصل دو نمونه‌ی افراطی مطرح شده در نگاره‌های ۲ و ۳ قرار گیرند، اما این دیاگرام‌ها نشان می‌دهد که به هم پیوستگی‌های روستایی-شهری ممکن است گونه‌های کاملاً متفاوتی داشته باشد. اگر یکی از اهداف برنامه‌ریزی ملی، ایجاد روابطی متقابل‌تر میان توسعه روستایی و شهری است پس باید در راستای ایجاد و گسترش چرخه‌ی آرمانی (Virtuous Cycle) توسعه و تلاش کرد.

نگاره ۴ نیز شمایی کلی از ساختار تحقیق در زمینه‌ی روابط روستایی-شهری به دست می‌دهد.

در این نگاره اجزاء تحقیق به دو بخش ساختارها و جریان‌ها تقسیم‌بندی شده که هدف از آن بیان این نکته است که تغییر ساختار روستایی و توسعه آن به نقش‌ها و کارکردهای شهری بستگی دارد و این امر از طریق مجموعه‌ای از جریان‌ها میان نواحی روستایی و شهری صورت می‌پذیرد. هدف از تحقیق دو چیز است: (۱) تحلیل الگوی جریان (۲) تحلیل اثرات ترکیبی این جریان‌ها بر پیشبرد توسعه منطقه‌ای روستایی.

ارتباطات بیشتر روستایی - شهری هر یک از جریان‌ها را جداگانه بررسی کرد.

گرچه می‌توان در زمینه‌ی روابط میان یک روستا با یک مرکز، تحقیقاتی انجام داد؛ این حقیقت که عمدتاً روابط روستایی - شهری در برگیرنده‌ی ارتباطات متعدد میان روستاها و بین روستاها و شهرهای منطقه‌ای و یا فرمانطقه‌ای دورتر است، بیانگر این نکته است که باید این روابط را در چارچوب شبکه‌ی منطقه‌ای جای داد و جریانهای میان روستا و شهر را درون این شبکه‌های منطقه‌ای تعیین شده بررسی کرد. در اندونزی نقطه‌ی مناسب شروع تحقیقات استفاده از تعداد گزینش شده‌ای از «Kawasa Andalan» است که شبکه‌های منطقه‌ای هستند که دولت اندونزی برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای خود مشخص ساخته است. با مطالعه عوامل و فرآیندهای پویای جریانها و تحولات ساختاری در این شبکه‌ها در سطح منطقه‌ای می‌توان خط‌مشی‌هایی را متناسب با شرایط منطقه‌ای تدوین کرد، خط‌مشی‌هایی در حمایت از اهداف اندونزی در ایجاد پیوندهای نمادین و متقابل میان توسعه مناطق روستایی و شهری.

پی‌نوشت

۱- پرفسور ما یک دا گلاس استاد بخش برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شهری در دانشگاه هاوایی است. تطبیق ترجمه با متن اصلی این مقاله، توسط دکتر پرویز اجلائی انجام شده است.

2- Built Environment

3- Senggigi

4- Bali

5- Menies and Pengkelakmas

6- Samboir Lama and Teta

7- Virtuous Cycle

8- Truncated Cycle

و سپس سیاست‌های لازم برای افزایش آن را اتخاذ نمود. به عنوان مثال، یک تحقیق دیگر ممکن است نشان دهد که شهرها هیچگونه اطلاعاتی در زمینه‌ی قیمت‌های موجود در بازار، تحولات محصولات و دیگر موارد مفید و حیاتی برای روستاییان به دست نمی‌دهند. از این رو ردیابی ارزش افزوده‌ی جذب منطقه تولید محصول شده (که معمولاً اندک است) بلکه بیان می‌دارد که این امر چه تأثیری بر میزان درآمدهای ساکنان منطقه دارد.

همچنین ممکن است اطلاعات حاصله از یک تحقیق نشان دهد که راه‌های متصل به یک روستا، درآمد ساکنان آنجا را بسیار افزایش داده است، که این امر معمولاً بواسطه راهیابی محصولات کشاورزی به بازارهای شهری صورت می‌گیرد که از تبعات آن تردد بیشتر روستاییان به شهرها برای خرید اقلام مورد نیاز و عرضه محصولات تولیدیشان می‌باشد که این امر خود عامل رشد شهرها نیز می‌باشد.



نگاره ۴: فرآیند توسعه منطقه‌ای روستایی، ساختارها، جریانها و مداخلات سیاستگذاری

نباید تصور کرد که صرف افزایش ارتباط نواحی روستایی شهری در بردارنده‌ی مزایا یا مضراتی برای این نواحی است، بلکه باید برای پی بردن به نحوه‌ی تأثیرات راه‌ها و دیگر زیرساختها بر ماهیت و توزیع مزایای